

<https://dx.doi.org/10.3051/psi.2022.28.433.1749>

Journal iranian political sociolog

Vol. ۴, No.۳, fall۲۰۲۲

Abstract

The formation of citizenship rights is one of the most important concepts in the Islamic system. One of the texts that has carefully addressed this issue is Nahj al-Balaghah. Communities, transparency, as well as in the discussion of the economic rights of fiduciary duty in the treasury, the fight against greed, the creation of welfare, employment and poverty alleviation, as well as civil liberties in the constitution and legal system of the Islamic Republic of Iran The Islamic Republic, using the concepts of political and civil law of Naj al-Balagheh, these concepts have been considered in the legal and political texts of the Islamic Republic and in the discourse of political Islam. It is from Nahj al-Balaghah

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.280433.1649>

بازخوانی حقوق شهروندی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی

سمانه بنی صفار^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱/۲۳

احسان رازانی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۱۵

ابوالقاسم پیاده کوهسار^۳

چکیده

در این مقاله به دنبال این هستیم تا براساس نظریه امام علی(ع)، نسبت به حقوق شهروندی در قوانین جاری جمهوری اسلامی نظر شود. این بررسی از آن روی صورت می‌گیرد که جمهوری اسلامی نظامی سیاسی بر اساس گفتمان انقلاب اسلامی است و خود را تجلی آرمانهای انقلاب اسلامی معرفی می‌کند، و این انقلاب به دنبال نظامی مستخرج از آموزه‌های اسلامی یعنی کتاب و عترت می‌باشد. (مقدمه قانون اساسی: قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه‌ی ایران بر اساس اصول و ضوابط اسلامی است که انعکاس خواست قلبی امت اسلامی می‌باشد. در قسمت «شیوه حکومت در اسلام» نیز از جهان بینی اسلامی سخن می‌گوید)؛ گرچه مطابق قانون اساسی از بکارگیری آن دسته از تجارب بشری که در تضاد و تخالف با آموزه‌های الهی نیست؛ استقبال می‌کند (اصل دوم قانون اساسی: استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته‌ی بشری و تلاش در پیشبرد آنها) که نظایر آن را می‌توان در اصل جمهوریت و روش‌های دموکراتیک و یا ساختار دولتهای مدرن غربی مشاهده کرد.

^۱ دانشجوی دکتری علوم سیاسی، گرایش مسائل ایران، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران

^۲ استادیار، گروه علوم سیاسی، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران (نویسنده مسئول)

^۳ استادیار، گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران

در جامعه ای که روابط اجتماعی بر پایه میزان برخورداری افراد از ثروت یا قدرت یا شهرت یا قربت و امتیازات موهومی از این دست شکل می گیرد آنان که از نفوذ و اعتبار ظاهری بیشتری بهره مندند دسترسی راحت تری به مقامات دارند و برای آنان حساب ویژه ای باز می گردد؛ نگاه مسؤولان به کاخ نشینان با نگاهشان به کوخ نشینان متفاوت است؛ این نابرابری مؤثرترین عامل زمینه ساز برای از بین بردن حقوق و آزادیهای مردم خواهد بود. اساس و پایه ظلم در همین جا پی ریزی می شود و دری به نام اختناق بر روی اکثریت مردم گشوده می گردد. کارگزاران حکومتی در گام اول کار خویش باید به هوش باشند که از این زاویه آلوده نگردند. حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه، تساوی و نوع برخورد با مردم — که از حقوق سیاسی آنها می باشد— را سفارش می کنند که در نامه های ۲۶ و ۲۷ و ۴۶ و ۵۳ آمده است؛ حضرت در دستور به کارگزاران فروتنی، گشاده رویی، انعطاف پذیری، برابری در گردش چشم، نگاه، اشاره و سلام نسبت به مردم را توصیه می کردند.

امام خمینی (ره) مسئولین را به مردم داری توصیه می کردند و از آنها می خواستند که با مردم با عطف و برخورد کنند. ایشان با ارائه نمونه هایی از سلوک رؤسا و امرای صدر اسلام فرمودند: «یکی از فرق های بین حکومت اسلام با سایر حکومتها، این است که در حکومت اسلام جو، جوّ محبت است. بین شخص اول مملکت مثل رسول خدا که شخص اول بود و در زمان خلافت امیر المؤمنین شخص اول امیر المؤمنین بود با ادنی فردی که به حسب نظر مردم ادنی حساب می شدند فرق اساسی مربوط به دنیا نبود. این طور نبود که رسول خدا حالا که در رأس واقع شده و رئیس امت است مثل سایر حکومتها ریاست بکند. در مسجد می آمدند می نشستند؛ اصحابشان و اتباعشان هم توی مسجد بود؛ کسی، از خارج که می آمد نمی دانست کدام از آنها پیغمبر است. می پرسید کدامتان پیغمبر هستید؟ در نشستن این طور نبود که یکی در بالای تخت بنشیند و ما بقی مقابلش بایستند و سلام نظامی بکنند! حضرت امیر هم همین طور بود. صدر اسلام وضع این طور بود، این طور نبود که امرای لشکر— امرای لشکر خیلی مهم هم داشتند— با مردم دیگر فاصله بگیرند؛ جوّ محبت بود. آنها در یک محیط دوستی و رفاقت و محبت زندگی می کردند. بین خودشان «رُحَماء» بودند؛ یعنی همه با هم دوست و رفیق ... با رحمت رفتار می کردند. و وقتی که مقابل کفار واقع می شدند، آنجا «اشداء» بودند. همین آدمی که، همین حضرت امیری که توی مسجد وقتی که می آمد با سایرین پهلوی هم می نشستند و صحبت می کردند وقتی رفته بود توی آن مزرعه آن رعیتی که آنجا بود یک غذایی داشت. حضرت فرمود: غذا داری؟ گفت: چیزی که لایق شما باشد ندارم. [حضرت] گفت: چیه؟ بیاور. پیه را آورد؛ کدو را با پیه سرخ کرده بود؛ و خیال می کرد حضرت امیر منزلش بساطی هست و حالا این کم است! در صورتی که حضرت امیر شاید در تمام عمرش هم یک همچو غذای دلچسبی شاید— شاید— نخورده بود! بیا؛ با هم نشستند: آن رعیت مزرعه، و این هم رئیس همه. با هم نشستند و خوردند. بعد هم پاشد حضرت، لب آن آبی که داشت عبور می کرد دستهایش را با شن شست و با مشتش آبش را خورد و شکر کرد.» (امام خمینی، ج ۷، ۲۳۳)

امام با تشریح تفاوت های حکومت اسلامی و حکومت های طاغوت، حکومت اسلامی را حکومتی خواندند که مردم دوست او هستند و وحشتی ندارند: «در حکومت اسلامی وقتی که پیش نخست وزیرش بروند، پیش رئیسش هم بروند، هیچ ابدأ [وحشتی] نیست... در حکومت های طاغوتی با مردم مملکت جوری رفتار شده است و رفتار کردند که وحشت برشان می دارد... در صورتی که باید رفاقت باشد. او پاسبان است؛ یعنی باید پاسداری از این مردم بکند. همه قشرهای انتظامی، برای رفاه مردم است. الفاظش نباید باشد؛ واقعش باید باشد. نظام برای این است که رفاه مردم را تهیه کند. بله، قشرهای نظامی باید اشخاصی را که تعدی می کنند با آنها با شدت رفتار کنند؛ اما اشخاص عادی و مردم را باهاشان به دوستی و رفاقت رفتار کنند. اما درست بر عکس حکومت های غیر اسلامی [یعنی] آنها با همه مردم، با شدت باید رفتار کنند. می خواهند ایجاد رعب کنند در دل آنها. برای چه؟ برای اینکه اینها با مردم آن طور رفتار نکنند که مأمون باشند از سوی مردم؛ وقتی مأمون نباشند از مردم، می خواهند با این ترساندن مردم، خودشان را حفظ کنند! به خلاف یک نظامی، ... یا حکومتی که مردم دوست او هستند؛ این وقتی در بین مردم می رود، مردم همه دورش را می گیرند و دستش را می بوسند، صورتش را می بوسند. این دیگر ترسی ندارد از مردم.» (صحیفه امام، ج ۷، ۲۳۴)

امام ترس از قانون را بهترین راه جلوگیری از خطا دانستند: «باید تفاهم باشد؛ باید دوستی باشد؛ باید وقتی که یک کسی می آید در کلابتری، مثل این باشد که دارد به منزل خودش می رود. کار دارد در آنجا، به منزل خودش می رود، مأمون؛ بدون اینکه از هیچ کس بترسد. در اسلام هر کسی باید از خودش بترسد! هر آدمی از خودش، به چه معنا؟ به این معنا که اگر خودش خطا کرد جزا دارد؛ اگر نکرد، نه. اما اگر خودش خطاکار نباشد، دیگر از ژاندارمری نباید بترسد؛ - عرض می کنم که - از ارتش نباید بترسد، از پاسبان نباید بترسد، از شهربانی نباید بترسد، از نخست وزیر نباید بترسد، از رئیس جمهور هیچ نباید بترسد. برای اینکه آنها آزارش نمی کنند. وضع این است که نباید آزار بکنند. از خودش باید بترسد که مبدا من خطا کنم. وقتی خطا کرد، قانون او را جزا می دهد. وضع ما باید این جور باشد؛ وضع شماها این جور باشد، تا حالا هر جوری بوده است. تجربه کنید ببینید که آیا با محبت با مردم رفتار کنید دلتان آرامتر است، یا خدای نخواستہ با شدت؟ با شدت ناراحتی می آورد. اگر با مردم با دوستی رفتار کنید، دلتان آرام است. شب می روید منزل، آرام می گیرید می خوابید؛ نه وجدانتان ناراحت است که یک کسی را اذیت کردی - بالاخره وجدان آدم ناراحت می شود - نه وجدان ناراحت [که] ظلم به او کردی، یک خلاف کردی و نه خوف این را دارید که مبدا یک وقتی - مثلاً - تلافی بکنند. وقتی با مردم به محبت رفتار کنید، مردم را از خودتان بدانید ما [باید] خدمتگزار همه باشیم، دولت خدمتگزار همه باشد؛ این وجدان، خودش راحت هست. شب هم می رود منزلش راحت می خوابد، بعد هم فردا می رود سر خدمتش. خدمتش هم خدمت به مردم است. از اول که راه می افتد برود اداره، برای کارگشایی مردم؛ برای خدمت مردم. نه مثل ادارات سابق که هر کس

صبح پا می‌شد- بسیاری را که صبح پا می‌شدند- می‌رفتند که نقشه بکشند چطور مردم را به دام بیندازند! چطور از ایشان درآورند!» (همان، ۲۳۶)

بنیانگذار جمهوری اسلامی حکومت ایده آل اسلامی را چنین توصیف کردند: «وضع حکومت اسلام یک همچو وضعی است. اداره‌اش برای رفاه مردم است، نظامش برای رفاه مردم است، رئیس‌جمهورش برای رفاه مردم است، نخست‌وزیرش برای رفاه مردم است، و محیط، محیط محبت؛ یک محیط محبت. اگر ما موفق بشویم به اینکه اسلام را به آن معنایی که بوده است، به آن معنایی که بنای اسلام بر آن بوده، در خارج متحقق بکنیم، هم نظام راحت می‌شود، هم شهربانی. دیگر احتیاج به اینکه به مردم تعدی نکند ندارد. هم ژاندارمری، هم ارتش. همه دوست و همه رفیق و با هم دوست و برادر. و من امیدوارم که یک همچو چیزی پیش بیاید و یک همچو حکومتی تحقق پیدا بکند؛ فقط آرزو نباشد، واقعیت باشد» (همان، ۲۳۸).

- آزادی سیاسی:

بخش مهمی از حقوق شهروندی در دولت مدرن مربوط به آزادی‌های سیاسی است. آزادی‌های سیاسی در جهان امروز اشکال متنوعی یافته است و قوانین اساسی کشورها و قوانین عادی، حدود و ثغور آن را مشخص نموده است. این حقوق امکان مشارکت فعالانه مردم را در فرآیندهای آزاد حکومت فراهم می‌کند.

قانون اساسی در اصل ۹ به عدم سلب آزادی‌های مشروع حتی با وضع قانون اشاره دارد: «در جمهوری اسلامی ایران آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک‌ناپذیرند و حفظ آنها وظیفه دولت و آحاد ملت است. هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشه‌ای وارد کند و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی‌های مشروع را، هر چند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند.» ماده ۱۲ و ۱۳ منشور حقوق شهروندی با ارجاع به این اصل قانون اساسی اعلام می‌دارد: «آزادی‌های فردی و عمومی شهروندان مصون از تعرض است. هیچ شهروندی را نمی‌توان از این آزادی‌ها محروم کرد. محدود کردن این آزادی‌ها تنها به قدر ضرورت و به موجب قانون، صورت می‌گیرد.» «هر شهروندی حق دارد از امنیت جانی، مالی، حیثیتی، حقوقی، قضایی، شغلی، اجتماعی و نظایر آن برخوردار باشد. هیچ مقامی نباید به نام تأمین امنیت، حقوق و آزادی‌های مشروع شهروندان و حیثیت و کرامت آنان را مورد تعرض و تهدید قرار دهد. اقدامات غیرقانونی به نام تأمین امنیت عمومی به‌ویژه تعرض به حریم خصوصی مردم ممنوع است.»

همچنین در اصل ۳ قانون اساسی بند ۶: «محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی»؛ و بند ۷ و ۸: «تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون» و اهتمام دولت در به کار بردن همه امکانات جهت «مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش» یادآور شده است.

در همین رابطه امام خمینی (ره) می‌فرماید: «ریشه و اصل همه آن عقاید - که مهمترین و با ارزش‌ترین اعتقادات ماست - اصل توحید است... این اصل به ما می‌آموزد که انسان تنها در برابر ذات اقدس حق باید تسلیم باشد و از هیچ انسانی نباید اطاعت کند، مگر اینکه اطاعت او اطاعت خدا باشد و بنابراین هیچ انسانی هم حق ندارد انسان‌های دیگر را به تسلیم در برابر خود مجبور کند ما از این اصل اعتقادی، اصل آزادی بشر را می‌آموزیم که هیچ فردی حق ندارد انسانی و یا جامعه و ملتی را از آزادی محروم کند، برای او قانون وضع کند، رفتار و روابط او را بنا به درک و شناخت خود که بسیار ناقص است و یا بنا به خواسته‌ها و امیال خود تنظیم نماید» (همان، ج ۵: ۳۷۸).

- آزادی احزاب سیاسی و اجتماعات:

آزادی گاهی در بُعد فردی بروز و ظهور می‌یابد و زمانی در بعد گروهی. آزادی احزاب و انجمنها امروزه به عنوان یکی از حقوق سیاسی و اجتماعی مردم در حکومت‌های مردمی پذیرفته شده است. این حق از آن جا ناشی می‌شود که مردم در برابر قدرت و استیلای دولت، از طریق یک تشکل سازمان یافته چه بسا بهتر بتوانند، خواسته‌های خود را به دولتها تحمیل نمایند. افراد به تنهایی ضعیف اند و در رویارویی با دولت چه بسا بازنده باشند.

اساساً اسلام را باید در پایه ریزی برخی اجتماعات و تأیید و تحکیم آنها در مسیر اهداف و مقاصد اجتماعی و سیاسی پیشگام دانست. نماز عبادی سیاسی جمعه، اجتماع عظیم حج، شرکت در مجالس و محافل دینی و هیأت‌های مذهبی که از آغاز در جامعه اسلامی وجود داشته است و علاوه بر جنبه‌های عبادی، از آنها، بهره برداریهای اجتماعی و سیاسی نیز، فراوان شده است، بهترین دلیل بر به رسمیت شناختن آزادی اجتماعات در نظام اسلامی است.

آزادی احزاب و جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی در اصل ۲۶ قانون اساسی به این شکل آمده است: «احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند، مشروط به این‌که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچ کس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت.» ماده ۴۳ از حق تشکل، تجمع و راهپیمایی در منشور حقوق شهروندی: «شهروندان از حق تشکیل، عضویت و فعالیت در احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های اجتماعی، فرهنگی، علمی، سیاسی و صنفی و سازمان‌های مردم‌نهاد، با رعایت قانون، برخوردارند. هیچ کس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت. عضویت یا عدم عضویت نباید موجب سلب یا محدودیت حقوق شهروندی یا موجب تبعیض ناروا شود.» (منشور حقوق شهروندی، ۱۳۹۵: ۷).

همچنین آزادی تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها در اصل ۲۷: «تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها، بدون حمل سلاح، به شرط آن که مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد است.» و ماده ۴۶ از منشور حقوق شهروندی بیان

می‌دارد: «حق شهروندان است که آزادانه و با رعایت قانون نسبت به تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها و شرکت در آنها اقدام کنند و از بی‌طرفی دستگاه‌های مسئول و حفاظت از امنیت اجتماعات برخوردار شوند.» (همان، ۴).

از نظر امام خمینی (ره) اصل آزادی گروه‌بندی سیاسی - اجتماعی و احزاب در چارچوب قانون رسمیت داشته و تا زمانی که گروه‌ها و احزاب به اقداماتی از قبیل توطئه و یا جاسوسی دست نزنند، می‌توانند به فعالیت سیاسی و اجتماعی بپردازند. از این‌رو ایشان همواره تأکید می‌کردند که در چارچوب نظام جمهوری اسلامی ایران تمامی احزاب می‌توانند آزادانه اظهارنظر کنند. «احزاب آزادند که مخالفت با ما یا با هر چیزی بکنند، مادامی که اقداماتشان مضر به کشور نباشد» (امام خمینی، ج ۵: ۴۸۲). در مجموع از تبیین دیدگاه امام درباره‌ی احزاب و تشکل‌ها، سه نکته اساسی برداشت می‌شود:

الف) از نظر امام، آزادی تشکل اجتماعات و مشارکت در صحنه‌های سیاسی اجتماعی، از اهداف اساسی انقلاب است.

ب) از نظر امام، جمهوری اسلامی، آزادی فعالیت سیاسی - اجتماعی را به گروه‌ها و احزاب داده است. لذا اجازه فعالیت و مشارکت در امور به گروه‌ها و احزاب موجب شده که انقلاب به تمام معنا آزادی‌بخش باشد. ج) مانع اصلی آزادی برخی احزاب و گروه‌ها و تشکل‌های سیاسی، اقدام به توطئه و طرح‌های براندازی و انجام اقداماتی برخلاف مصالح مردم است. امام (ره) معتقدند که باید به احزاب و گروه‌ها اجازه فعالیت داده شود، مشروط به این‌که به توطئه و انجام فعالیت‌های مضر به مردم دست نزنند.

باید توجه داشت که دیدگاه امام خمینی (ره) درخصوص برخی فعالیت‌های سیاسی نظیر افزایش سطح مشارکت سیاسی، افزایش آگاهی عمومی و غیره نشان می‌دهد که ایشان با بسیاری از کارویژه‌های که احزاب سیاسی عهده‌دار آن هستند کاملاً موافق بوده و نظر مثبتی نسبت به آنها داشته است ولی در عین حال نسبت به برخی فعالیت‌هایی - مانند مبارزه برای کسب قدرت، نمایندگی طبقه و قشر خاص، اعمال نفوذ بر تصمیم‌گیری‌ها در راستای منافع حزبی - که احزاب انجام می‌دهند، نظر مساعدی نداشته‌اند.

- حق رأی:

حق رأی جزء مهم حقوق سیاسی شهروندان محسوب می‌شود و با حق تعیین سرنوشت کاملاً مرتبط می‌باشد، به این معنا که شهروندان حق رأی دارند چون خودشان باید سرنوشت سیاسی خود را تعیین کنند. حق تعیین سرنوشت در مقابل تحمیل اراده قرار می‌گیرد. لذا برای آن‌که افراد بتوانند سرنوشت خودشان را تعیین کنند نباید تحمیل اراده‌ای از سوی حکومت‌ها وجود داشته باشد. «ما بنای آن را نداریم که یک تحمیلی به ملتمان بکنیم، و اسلام به ما اجازه نداده است که دیکتاتوری بکنیم. ما تابع آزادی ملت هستیم. ملت ما هرطوری رأی داد، ما هم از آن‌ها تبعیت می‌کنیم» (همان ج ۱۱: ۳۴). جمله مشهور «میزان رأی ملت است» (همان، ج ۸: ۱۷۳) به خوبی گویای این موضوع است و حتی دولت نباید نظر مردم را آن‌گونه که خود دوست دارد

تفسیر کند. امام رأی‌دادن را نه تنها حق افراد می‌داند بلکه آن را تکلیف آن‌ها نیز محسوب می‌کند. لذا در بیانات امام خمینی (ره) عمدتاً هر کجا سخن از شرکت در انتخابات آمده است از تکلیف و وظیفه شرکت در انتخابات نیز سخن گفته شده است. یکی از اصول بسیار مهم از نظر امام، بحث آزادی انتخابات است. ایشان بیان می‌دارند که اگر انتخابات به صورت فرمایشی برگزار گردد، تنها نتیجه‌ای که دربردارد سلب اعتماد مردم نسبت به حکومت است و حالت بی‌اعتمادی در قشر نخبگان جوامع ایجاد می‌گردد.

معظم له در بخشی دیگر از سخنانش فرمود: «دولت اسلامی که ما می‌خواهیم، یک جمهوری است که به آرای ملت درست (تشکیل) و احکام اسلام هم در او اجرا می‌شود. قانون اساسی همان قانون اسلام است و قانون اسلام مسبب آزادی‌ها و دموکراسی حقیقی است» (ر.ک: صحیفه امام، ج ۵، ص ۴۳۲-۴۳۱). البته واژه دموکراسی، مفهوم روشنی ندارد. نمونه دموکراسی در حکومت اسلامی، همان قضیه حضرت امیر(ع) است: در عین این که خلیفه رسول الله و حاکم سرزمین پهناور از حجاز تا مصر بوده است، هنگامی که با یک یهودی در مورد چیزی اختلاف می‌کند، و به دادگاه می‌روند. همین که قاضی خواست از او به عنوان خلیفه مسلمین، احترام خاصی به عمل آورد، فرمود: خیر! باید به طور مساوی احترام بگذاری. (همان، ص ۲۷۴-۲۷۵).

اتکا امور کشور به آرای عمومی مردم در اصل ۶ قانون اساسی نیز بیان شده است: «در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکاء آراء عمومی اداره شود، از راه انتخابات: انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراها و نظایر این‌ها، یا از راه همه‌پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می‌گردد.» و ماده ۱۵ منشور حقوق شهروندی از حق مشارکت در تعیین سرنوشت شهروندان می‌گوید: «شهروندان به شکل برابر از حق مشارکت در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش برخوردارند و می‌توانند این حق را از طریق همه‌پرسی یا انتخابات آزاد و منصفانه اعمال کنند.»

- حق اعتراض و انتقاد:

امام خمینی (ره) انتقاد را هدیه‌ای الهی، امری سازنده و موجب رشد جامعه و انسان می‌داند و معتقد است که هرگونه انتقاد و اعتراضی اگر به قصد توطئه و انتقام‌جویی نباشد و با رعایت موازین اخلاق و حدود شرعی صورت گرفته باشد از هرکسی، ولو زمامدار امور مسلمین، جایز است. امام خمینی (ره) انتقاد را برای اصلاح امور لازم می‌داند و معتقدند: «انتقادات آزاد است، به اندازه‌ای که نخواهند یک کسی را خفیف کنند؛ یا یک گروهی را خفیف کنند و از صحنه خارج کنند، انتقاد برای ساختن، برای اصلاح امور لازم است» (همان، ج ۲۱: ۴۲۹). «انتقاد حتی باید از زمامدار جامعه اسلامی نیز صورت بگیرد و او باید در مقابل انتقاد و سوال، جواب قانع‌کننده‌ای داشته باشد» (همان، ج ۵: ۴۰۹). اما باید در انتقادات جانب حق و انصاف را نگه داشت و

آن را باید از توطئه جدا دانست. «انتقاد بکنید، توطئه نکنید، ما با تضعیف جمهوری اسلامی مخالفیم، تضعیف جمهوری اسلامی، یعنی تضعیف اسلام» (همان، ج ۱۷: ۴۶۳).

منشور حقوق شهروندی ماده ۲۸: «شهروندان از حق نقد، ابراز نارضایتی، دعوت به خیر، نصیحت در مورد عملکرد حکومت و نهادهای عمومی برخوردارند. دولت موظف به ترویج و گسترش فرهنگ انتقادپذیری، تحمل و مداراست.»

- شفافیت:

همانطور که در فصل گذشته اشاره شده؛ امیرالمؤمنین علیه السلام جهت دوری از استبداد و پنهان کاری مسایل از مردم، بارها با خطابه‌های مختلف در صدد روشننگری و شفافیت برآمدند و تلاش می‌کردند تا با ادله‌ی روشن مردم را قانع و سپس همراه سازند؛ نمونه‌ای از آن در نهج البلاغه نامه ۵۸ روشن شدن ماجرای صفین و ویژه در نامه ۵۰ که بر ضرورت شفافیت می‌پردازند.

آیت الله خامنه‌ای به فرازی از نامه ۵۰ نهج البلاغه درباره موضوع شفافیت مسئولان پرداختند: «أَلَا وَانَّ لَكُمْ عِنْدِي أَنْ لَا أَحْتَجِبَنَّ دُونَكُمْ سِرًّا أَلَا فِي حَرْبٍ». ایشان در شرح این فراز از نامه حضرت علی (علیه السلام) گفتند: «این نکته‌ی بسیار مهمی است؛ این شفافیتی که حالا سر زبانها است که «آقا شفاف، شفاف»، در کلام امیرالمؤمنین است. بعضی‌ها عادت کرده‌اند هر چیز خوبی که در جامعه‌ی اسلامی است را نسبت بدهند به غربی‌ها. واقعاً انسان تعجب میکند از کوتاه‌فکری بعضی‌ها! توجه به مردم، آراء مردم، اهتمام به مردم، می‌گوید «ما از غربی‌ها یاد گرفتیم اینها را»؛... وقتی مراجعه به منابع اسلامی نمیکنید، وقتی کلمات امیرالمؤمنین و رسول مکرّم اسلام را نمیخوانید، بلد نیستید، خب بله، از غربی‌ها باید یاد بگیرید. می‌گویند بعضی‌ها، می‌شنوید که «بله، این شفافیت را هم آنها به ما یاد دادند»؛ نخیر، شفافیت را امیرالمؤمنین یاد داده؛ می‌گوید حقّ شما بر من - یعنی حقّی که شما پیش من دارید - [این است که] هیچ رازی را از شما پنهان ندارم، هیچ حرفی را از شما پنهان نکنم، مگر در جنگ و مسائل جنگ و مسائلی که با دشمن طرف هستیم، اینجا نمیشود حرفها را زد؛ چون حرف را وقتی که گفتیم، شما شنفتی، دشمن هم می‌شنود. بله در این مسائل حرب - حرب، اعمّ از همین حرب به اصطلاح نظامی و مانند اینها است - در مسائل امنیتی، در مسائل نظامی، در مسائل گوناگونی که جنگ داریم با دشمن، مقابله‌ی با دشمن داریم، بله اینجا جای افشاگری نیست، جای شفافیت نیست، اما در غیر اینها، در مسائل عمومی مردم، آن لَا أَحْتَجِبَنَّ دُونَكُمْ سِرًّا» (درس خارج فقه، ۹۷/۷/۲۳). رهبر انقلاب بر این نکته تأکید کردند که: مسئولان جز در موارد نظامی، امنیتی و اموری که مقابله با دشمن است، باید شفاف باشند و هیچ رازی را از مردم پنهان نکنند.

این موضوع در کلام امام خمینی (ره) نیز به روشنی بیان شده است: «...این مسئله مهم است. همه ملت موظفند که نظارت کنند بر این امور. نظارت کنند اگر من یک پام را کنار گذاشتم، کج گذاشتم، ملت موظف است که بگویند پایت را کج گذاشتی، خودت را حفظ کن... توجه داشته باشند که نبادا من یک وقت یک کلمه

برخلاف مقررات اسلام بگویم. اعتراض کنند، بنویسند، بگویند... در صدر اسلام هست که عمر وقتی که گفت - در منبر بود - که اگر من یک کاری کردم شماها چه بکنید. یک عربی شمشیرش را کشید گفت ما با این، با این شمشیر راستش می‌کنیم. باید اینطور باشد. باید مسلمان اینطور باشد که اگر - هر که می‌خواهد باشد، خلیفه مسلمین و عرض بکنم هر که می‌خواهد باشد - اگر دید پایش را کنار گذاشت، شمشیرش را بکشد که پایت را راست بگذارد» (امام خمینی، ج ۸، ص ۶ و ۵)؛ «مردم در جامعه اسلامی نمی‌توانند نسبت به رفتار سیاسی و جهت‌گیری‌های اجتماعی زمامداران خود بی‌تفاوت باشند. مردم موظف‌اند بر سیاست‌گذاری‌ها و اعمال دولت و کارگزاران نظام اسلامی نظارت نموده و با اظهار نظریات مشورتی و خیرخواهانه خود، موجبات استحکام و بهبودی دولت اسلامی و اصلاح زمامداران خویش را فراهم سازند. عنصر نظارت مردم بر دولت اسلامی، از طریق روش‌های مشخصی چون امر به معروف، استشاره و نصیحت حاکم و حسب انجام می‌شود...». «...و آقایان توجه کنند و همه و همه ملت موظف‌اند که نظارت کنند بر این امور... همه ملت موظف‌اند به اینکه نظارت داشته باشند در همه کارهایی که الآن مربوط به اسلام است» (امام خمینی، ج ۷، ص ۳۴).

منشور حقوق شهروندی، ماده ۱۹ از حق اداره شایسته و حسن تدبیر: «شهروندان از حق اداره شایسته امور کشور بر پایه‌ی قانون‌مداری، کارآمدی، پاسخگویی، شفافیت، عدالت و انصاف برخوردارند. رعایت این حق توسط همه مسئولین و کارکنان الزامی است.» و همچنین مواد ۶۹ و ۷۰ و ۷۱ از حق اقتصاد شفاف و رقابتی به این مطلب اشاره دارد: «حق شهروندان است که از فرایند وضع، تغییر و اجرای سیاست‌ها، قوانین و مقررات اقتصادی اطلاع داشته باشند و نظرات خود را به اطلاع مرجع تصویب‌کننده برسانند و با فاصله زمانی مناسب از اتخاذ تصمیمات متفاوت با سیاست‌ها و رویه‌های پیشین مطلع شوند تا بتوانند خود را برای وقوع تغییرات آماده کنند و پس از اتخاذ تصمیم و برای رعایت اصل شفافیت، شهروندان حق دارند با اطلاع‌رسانی عمومی از تصمیمات آگاهی یابند.»؛ «حق شهروندان است که به صورت برابر و با شفافیت کامل از اطلاعات اقتصادی و از جمله اطلاعات مربوط به برگزاری مزایده‌ها و مناقصه‌ها مطلع شوند.»؛ «دولت فضای قانونمند، شفاف و رقابتی منصفانه را برای انجام انواع فعالیت‌های اقتصادی شهروندان و امنیت سرمایه‌گذاری آن‌ها تضمین می‌کند.» (منشور حقوق شهروندی، ۱۳۹۵: ۳).

نمی‌توان در چارچوب دولت مدرن سخن به میان آورد بدون آنکه به قوه تقنینی اشاره نکرد. در واقع قوه مقننه باید به صورتی شفاف به قانون‌گذاری مبادرت کند تا مردم در جریان آنچه به مثابه‌ی حقوق یا تکالیف اجتماعی در حال تدوین است مطلع باشند و بدانند که چه نماینده یا نمایندگان یا فراکسیونی طرفدار یا مخالف امری است. مهم‌ترین محورهای شفافیت مجلس شورای اسلامی را می‌توان در موارد ذیل یافت:

- شاخص‌های شفافیت نمایندگان (۱۱ شاخص): افشای حقوق و مزایای نمایندگی/افشای سفرها و مزایای مسافرتی/افشای هزینه‌ها و فعالیت‌های شاخص نمایندگی/افشای هدایای دریافتی/افشای منافع و تعارضات منافع/ثب و اعلام عمومی مواضع، صحبت‌ها، جهت‌گیری‌ها، سخنرانی‌ها،

.../توصیه‌نامه‌ها (عموماً مکتوب)/پیگیری‌ها (عموماً شفاهی)/مهمانان (به کمیسیون و غیر آن)/پیشنهاد طرح به مجلس/حمایت از طرح

- شاخص‌های شفافیت کمیسیون‌های مجلس (۹ شاخص): اعلام دستور جلسه (پیش از جلسه)/حضور و غیاب (و تأخیر) اعضاء/فهرست و مشخصات مهمانان جلسه/حضور مهمان در جلسه کمیسیون/مشروح نطق‌ها/پخش زنده (تلویزیونی و اینترنتی) و آرشیو ویدئوها/مشروح آراء نمایندگان/مشروح مصوبات و تحولات جلسات کمیسیونی/کلیه اطلاعات مربوط به جلسات استماع
- شاخص‌های شفافیت صحن عمومی مجلس (۹ شاخص): اعلام دستور جلسه (پیش از جلسه)/حضور و غیاب (و تأخیر) نمایندگان/محل نشستن نمایندگان/مشروح نطق‌ها/پخش زنده و آرشیو ویدئوها/مشروح آراء/مشروح مصوبات و تحولات صحن/متن و مشخصات تذکرات/متن و مشخصات سؤالات
- شاخص‌های شفافیت اداری مجلس (۸ شاخص): اعلام عمومی مسائل مالی مجلس/اعلام عمومی اسامی کارکنان و حقوق و مزایای آنها/اعلام عمومی مسیرهای مشخص دسترسی به کارکنان شاخص در مجلس/صفحه شفافیت مجلس/مسیر و لیست تماس کلیه نمایندگان/اصول رفتاری نمایندگان مجلس/اهداف و برنامه‌های توسعه‌ای مجلس/برنامه‌های آموزشی مجلس
- صفحه شفافیت مرکز پژوهش‌ها / کتابخانه مجلس (۱۰ شاخص): ارائه صفحه آمار/سامانه تصمیم‌سازی/سامانه چالش/ارائه کلیه پروژه‌های علمی/گزارش‌های بودجه و هزینه‌ای/تعداد کارکنان، محققان، حقوق و مزایای آنها/سامانه ملی قوانین/وضعیت و زمان‌بندی سیر قانون + تاریخ‌ها (ارائه به کمیسیون، طرح در کمیسیون،...)/پورتال داده باز مجلس/نرم‌افزارهای نسخه مویایل دریافت این اطلاعات
- سازمان‌های مردمی ناظر بر مجلس (۳ شاخص): حمایت مجلس و حاکمیت از سازمان‌های ناظر بر مجلس/آموزش و ترویج نظارت بر و مشارکت در مجلس/بسترهای فرایندی، قانونی و فناورانه لازم برای نظارت بر مجلس

با این همه، غیر از مخالفان و موافقانی که در پشت تریبون مجلس سخن می‌گویند؛ رأی سایر نمایندگان به صورت مخفی است. همچنین، جامعه به هیچ روی از لابی‌گری درون مجلس مطلع نمی‌شود در حالی که برخی کشورها این قانون شفافیت را برای جامعه محفوظ داشته‌اند.

گفتار دوم: حقوق مدنی

حقوق مدنی نخستین حقی است که در جامعه بوجود آمده است و روابط اشخاص را تنها از این جهت که عضو جامعه هستند، تنظیم می‌کند. حقوق مدنی به امنیت فردی، عدالت و آزادی شهروندان در تمام زمینه‌ها مربوط می‌شود. در جمهوری اسلامی ایران موارد متعددی از آن نهادینه شده که از جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- آزادی مدنی:

آزادی مدنی در نهج البلاغه، در چند موضع بر عدم اجبار مردم بر کاری، در نامه ۵۳ امیرالمؤمنین به مالک اشتر مشاهده می‌شود و همچنین در مورد آزادی بیان و عقیده؛ افکار الحادی و یا اقلیتهای دینی هیچ گاه به خاطر داشتن عقیده خود از حقی محروم نشدند و یا مورد بازخواست قرار نگرفتند. علی(ع) دفاع از حقوق آنان را همانند دیگر مسلمانان بر خود لازم می‌دانست. حادثه شهر انبار در نظر علی(ع) فاجعه تلقی گردید و برای دفاع از حقوق زنی کافر سخنانی فرمود که نظیر تعابیر آن را کمتر می‌توان سراغ گرفت. (ر.ک: خطبه ۲۷) خوارج را که مردمی خشن، کوتاه نظر، متحجر و دارای عقیده ای فاسد و خطرناک بودند در بیان عقیده خود آزاد گذاشت و به جای تحمیل عقیده راستین خود به تبیین و روشنگری پرداخت. مروری به خطبه های ۱۲۵، ۱۲۷، ۱۷۷، ۱۲۱ و ۱۲۲ جای تردیدی در این زمینه باقی نمی‌گذارد. در این باره شهید مطهری می‌نویسد: «امیرالمؤمنین با خوارج در منتهی درجه آزادی و دمکراسی رفتار کرد ... زندانشان نکرد و شلاقشان نزد و حتی سهمیه آنان را از بیت المال قطع نکرد... آنها همه جا در اظهار عقیده آزاد بودند و حضرت خود و اصحابش با عقیده آزاد با آنان روبه رو می‌شدند. شاید این مقدار آزادی در دنیا بی سابقه باشد که حکومتی با مخالفین خود تا این درجه با دمکراسی رفتار کرده باشد» (مطهری، ۱۳۷۷: ۱۴۳).

آزادی از نگاه امام خمینی(ره)، یکی از بنیادهای اسلام را تشکیل می‌دهد: «یکی از بنیادهای اسلام، آزادی است. انسان واقعی ملت مسلمان، فطرتاً یک انسان آزاد شده است» (امام خمینی، ج ۴، ۱۳۸۷: ۲۴۲). مهم‌ترین آزادی از دیدگاه امام خمینی آزادی فکر و اندیشه است. حضرت امام یکی از ویژگی‌های انسان کامل را تکیه بر برهان و استدلال و اجتناب از تحمیل عقائد می‌دانند و اصولاً معتقدند که تحمیل عقائد امری غیرممکن

است و «اسلام دین مستند به برهان و متکی به منطق است؛ و از آزادی بیان و قلم نمی‌هراسد و از طرح مکتب‌های دیگر که انحراف آن‌ها در محیط خود آن مکتب‌ها ثابت و در پیش دانشمندان خودشان شکست خورده هستند، باکی ندارد» (همان، ج ۸۱: ۱۰).

در عین حال در اندیشه امام خمینی (ره)، آزادی در پناه اسلام معنا پیدا می‌کند و به خودی خود هدف نیست و چارچوب‌های آن نیز توسط اسلام و مصالح جامعه تعیین می‌گردد (همان، ج ۱۰: ۹۱). از دیدگاه امام، آزادی عقیده و بیان حتی برای گروه‌ها و افراد مخالف حکومت اسلامی نیز باید تأمین شود مگر آن که قصد توطئه و خراب‌کاری از سوی آنها در کار باشد. «در حکومت اسلامی همه افراد دارای آزادی در هرگونه عقیده‌ای هستند و لکن آزادی خراب‌کاری را ندارند» (همان، ج ۴، ۴۳۶: ۴۳۵).

منشور حقوق شهروندی در «حق آزادی و امنیت شهروندی» ماده ۱۲ بیان می‌دارد: «آزادی‌های فردی و عمومی شهروندان مصون از تعرض است. هیچ شهروندی را نمی‌توان از این آزادی‌ها محروم کرد. محدود کردن این آزادی‌ها تنها به قدر ضرورت و به موجب قانون، صورت می‌گیرد.» (منشور حقوق شهروندی، ۱۳۹۵: ۲). افزون بر این، ماده ۲۵ و قانون اساسی نیز در اصل ۲۳ می‌گوید: «تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ‌کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد.» (قانون اساسی، ۱۳۸۷: ۴۱).

منشور حقوق شهروندی در ماده ۱۳ و ۱۴، حق آزادی و امنیت شهروندی را اعلام می‌دارد: «هر شهروندی حق دارد از امنیت جانی، مالی، حیثیتی، حقوقی، قضایی، شغلی، اجتماعی و نظایر آن برخوردار باشد. هیچ مقامی نباید به نام تأمین امنیت، حقوق و آزادی‌های مشروع شهروندان و حیثیت و کرامت آنان را مورد تعرض و تهدید قرار دهد. اقدامات غیرقانونی به نام تأمین امنیت عمومی به‌ویژه تعرض به حریم خصوصی مردم ممنوع است.» «شهروندان حق دارند در صورت تعرض غیرقانونی به آزادی و امنیت خود، در حداقل زمان ممکن و با نهایت سهولت به مراجع و مأموران تأمین‌کننده امنیت عمومی، دسترسی داشته باشند. مراجع و مأموران مذکور باید بدون وقفه و تبعیض و متناسب با تعرض یا تهدیدی که متوجه شهروندان شده است و با رعایت قوانین خدمات خود را ارائه دهند.» (منشور حقوق شهروندی، ۱۳۹۵: ۲).

آزادی در بیان مطالب در اصل ۲۴ قانون اساسی به این شکل آمده است: «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آن‌که محل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد. تفصیل آن را قانون معین می‌کند.» (قانون اساسی، ۱۳۸۷: ۴۱) و همچنین ماده ۲۶ منشور حقوق شهروندی: «هر شهروندی از حق آزادی بیان برخوردار است. این حق باید در چارچوب حدود مقرر در قانون اعمال شود. شهروندان حق دارند نظرات و اطلاعات راجع به موضوعات مختلف را با استفاده از وسایل ارتباطی، آزادانه جستجو، دریافت و منتشر کنند. دولت

باید آزادی بیان را به طور خاص در عرصه‌های ارتباطات گروهی و اجتماعی و فضای مجازی از جمله روزنامه، مجله، کتاب، سینما، رادیو، تلویزیون و شبکه‌های اجتماعی و مانند این‌ها طبق قوانین تضمین کند» (همان، ۴۲).

از دیدگاه امام خمینی (ره)، مطبوعات و رسانه‌های گروهی نقش مهمی در جامعه دارند. آن‌ها علاوه بر اطلاع‌رسانی، نقش تربیتی نیز عهده دارند. به بیان ایشان «نقش مطبوعات در کشورها منعکس کردن آرمان‌های ملت است، مطبوعات باید مثل معلمینی باشند که مملکت را و جوانان را تربیت می‌کنند و آرمان ملت را منعکس می‌کنند» (امام خمینی، ج ۷، ۱۳۸۷: ۳۲۳) و دولت‌ها نیز نباید در این مسیر مانع فعالیت آنها شوند. حفظ آزادی مطبوعات لازم است و آنها «در نشر همه حقایق و واقعیات آزادند» (همان ج ۴: ۲۶۶). از نظر امام، آزادی مطبوعات حدودی دارد و آن‌ها نباید مخالف اسلام و مصالح ملت فعالیت نموده و مطلبی منتشر نمایند. از نظر امام مطبوعات و رسانه‌های گروهی باید در راستای خدمت به مردم فعالیت کنند. لذا رعایت موازین اسلامی و قانونی، مصالح جامعه و اصول اخلاقی از سوی مطبوعات ضروری است.

صدا و سیما نیز به عنوان یک رسانه بسیار تأثیرگذار همواره مورد توجه امام بوده است. ایشان صدا و سیما را مرکز و دستگاه تربیتی می‌دانند که در آموزش راه و روش صحیح زندگی نقش بسزایی ایفا می‌کند. «این دستگاه‌ها [رادیو، تلویزیون] دستگاه‌های تربیتی است؛ باید تمام اقشار ملت با این دستگاه‌ها تربیت بشوند: یک دانشگاه عمومی است... یعنی دانشگاهی است که در تمام سطح کشور گسترده است. باید این دستگاه، دستگاهی باشد که بعد از چند سال تمام قشر ملت را روشن کند، تمام را، مبارز بار بیاورد، تمام را، متفکر بار بیاورد، تمام این‌ها را مستقل بار بیاورد، آزادمنش بار بیاورد، از غرب‌زدگی بیرون کند؛ استقلال به مردم بدهد» (همان، ج ۶: ۴۰۰). از منظر امام این رسانه نباید در خدمت دسته یا گروه خاصی بوده بلکه باید در خدمت مردم باشد و مستقل عمل نماید. لازمه استقلال، بی‌طرفی است و در صورت مستقل و بی‌طرف بودن است که می‌توان همه انتقادات را پوشش داد و بیان کرد. ویژگی اصلی که امام خمینی (ره) برای صدا و سیما مطرح می‌کنند و در واقع وجه مشخصه‌ی آن با رادیو و تلویزیون زمان شاه است، بیان «همه گونه انتقاد» بی‌طرفانه است.

آزادی در انتخاب شغل یکی از حقوق مهم شهروندی است که مورد توجه و تأکید امام خمینی (ره) نیز بوده است. «در اسلام آزادی انتخاب شغل برای هر فردی برحسب ضوابط قانونی محفوظ است» (همان ج ۱۰۰: ۳) و نباید بی‌دلیل محدود شود. نامه امام خمینی (ره) در سال ۶۱ به ستاد پیگیری تخلفات قضایی و اداری درباره انحلال هیأت‌های گزینش در وزارتخانه‌ها و نهادها به خوبی گویای این موضوع است که ایشان محدودیت‌های غیرقانونی و بی‌دلیل را در مورد شغل افراد و استخدام آن‌ها به هیچ عنوان بر نمی‌تابید. از همین رو در همان زمان دستور می‌دهند که: میزان در گزینش، حال فعلی افراد است. امام خمینی (ره) با اشاره به معیارهای اسلامی و سؤالات مطرح شده در گزینش افراد تأکید می‌کنند که «اگر افرادی، چه به واسطه

سؤال‌های شرعی که دانستن آن‌ها برای این اشخاص لزوم ندارد و چه سؤال‌های ناروایی که به اسلام ارتباط ندارد، از ادارات و یا وزارت‌خانه‌ها یا دیگر مراکز اخراج شده‌اند و یا به واسطه آن استخدام نشده‌اند، تشخیص داده تا اگر اخراج یا عدم پذیرش به صرف این امور اشتباه آن بوده است، آنان را به محل خود برای خدمت برگردانند که این نحوه عمل که با آن‌ها شده است ظلم فاحش است و محروم نمودن کشور از اشخاص مفید می‌باشد که از همه این‌ها باید جلوگیری شود» (همان، ج ۳: ۲۲۱). در این مورد می‌توان به ممنوعیت تبعیض ناروا در بند ۹ اصل ۳ قانون اساسی اشاره داشت: «رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی» (قانون اساسی، ۱۳۸۷: ۳۴).

گفتار سوم: حقوق اقتصادی و اجتماعی

حقوق اقتصادی - اجتماعی همگام با حقوق مدنی و سیاسی به عنوان جز لاینفک اسناد و اعلامیه های حقوقی و قوانین اساسی کشورها مورد شناسایی واقع شده است. حقوق اقتصادی عبارت از حقوقی است که امکانات رفاهی حمایتی از فرد و خانواده ها را به منظور ایجاد تعادل در زندگی شهروندان فراهم می آورد. حقوق اجتماعی نیز شامل فراهم آوردن شرایط مساوی بهره مندی از امکانات، مسکن و سلامتی برای همه اعضای جامعه می باشد. بر این اساس این امید خواهد بود که همگان از حداقل امنیت و امکان برابری فردی، در روند رشد اقتصادی، بهره مند شوند (عاملی، ۱۳۸۳: ۵۸).

- امانت‌داری در بیت‌المال

امام راحل همواره کارگزاران نظام را به حفظ بیت المال توجه می دادند: «کسانی که متکفل حکومت هستند، تا اندازه ممکن در بیت المال تصرف نکنند. یک درهمش در آن طرف حساب دارد؛ باید حساب بدهیم» (امام خمینی، ج ۱۹، ص ۳۷۴).

یکی از برکات جمهوری اسلامی، تأسیس دیوان محاسبات سال ۱۳۶۱ بود که در سال ۱۳۷۰ اصلاح شد. اختیارات وسیعی به دیوان محاسبات داده شده است تا با استفاده از ابزار ممکن، امور مالی کشور را تحت کنترل قرار دهد. قانون دیوان محاسبات به شکلی وضع شده است که امکان استفاده مطلوب از این قانون، برای حفاظت از بیت المال فراهم می باشد. مصادیق بیت المال در عصر کنونی متعدد می باشد، اما متأسفانه عدم رعایت اصل امانت از سوی افراد در سطوح مختلف آثار و پیامدهای منفی را به همراه داشته و دارد.

از دیدگاه امام راحل، هر کس در هر کاری باید امین باشد: «هر کاری را که انسان عهده دار شد مسئول آن کار است. مسئول است در این که به راستی و امانت عمل کند و مسئول است در این که با جدیت و فعالیت عمل کند و با خلوص برای خدای تبارک و تعالی... و هر کس در هر جا هست و هر جا خدمت می کند، یکی از اموری که بسیار برای او لازم است، امانت است، امین باید باشد.» (همان، ج ۱۷: ص ۲۳۷ - ۲۳۸). البته

باید توجه داشت، قدرت داشتن و امین بودن در کنار هم ارزشمند است؛ زیرا اگر فردی امین باشد، ولی امکانات نداشته باشد، قدرت انجام هیچ کاری را ندارد. اگر قدرت داشته باشد و امین نباشد، بیت المال را حیف و میل می کند.

آیت الله خامنه ای در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیأت دولت فرمودند: «دولت باید شعار خودش را امانت و درستکاری قرار دهد. البته شما درستکاریید. من بارها از وزرا - چه شما، چه کسانی که قبل از شما بودند - با همین عنوان و صفت، تمجید و تجلیل کرده‌ام؛ چون عقیده ما این است. بالاخره نمی شود وزرای ما درستکار و امین نباشند. این جمله امیرالمؤمنین معروف است که فرمود: «ان عملک لیس لک بطعمه»؛ این طعمه ای نیست که تو به دست آورده باشی و بخواهی از آن، لقمه ای چربی بزنی؛ «ولکنه فی عنقک امانه»؛ این یک امانت و مسؤولیت بر دوش شماست. از فرصتهای شغلی نباید استفاده‌ی شخصی شود. نباید ریخت و پاش صورت گیرد. این نامه هشت ماده‌ای که من به آقایان رؤسای سه قوه نوشته‌ام، جدی است. ما گذاشته‌ایم آقایان اقدام کنند؛ اما اگر اقدام نکنند، بنده خودم وارد میدان می شوم و اقدام می کنم؛ بعد هم اینها می آیند گله می کنند، اما گله شان به جایی نخواهد رسید؛ چون بالاخره باید کار بشود. شما این همه زحمت می کشید؛ من واقعاً می بینم که این همه غصه و جوش خورده می شود؛ خود رئیس جمهور و دیگران کار می کنند؛ بعد یک نفر آدم بیاید از این اوضاع و احوال استفاده کند و پولی به جیب بزند و همه را بدنام و دولت را خراب و مردم را ناامید کند. مگر این قابل اغماض است؟ تخلفاتی که به من گزارش می شود، غالباً از شرکتهای وابسته است. اوایل ریاست جمهوری آقای خاتمی، گزارشی راجع به شرکتهای به ایشان دادند، به من هم دادند. البته انتظار من این بوده و هست که نسبت به این مسائل تصمیم گیری شود. در بعضی از این شرکتهای کارهایی صورت می گیرد؛ مثل خریدهای کلان، بدون توجیه اقتصادی؛ احداث ساختمان، حتی همراه با تخلف؛ سرمایه گذاری، بدون توجیه اقتصادی؛ سفرها و مأموریتهای خارج، بدون توجیه واقعی و بدون تخصص لازم - برای یک کار بیخود و کم اهمیت، هیأتی را به خارج می فرستند - توزیع امکانات، غیرعادلانه و بدون توجیه؛ یک بار خودرو را به آنها می فروشند، یک بار خودروی دولتی به آنها می دهند؛ یک بار پول می دهند که خانه رهن کنند، یا خانه سازمانی به آنها می دهند، در حالی که خانه دارند؛ پرداختهای کلان و هدایا و جوایز بی مورد هم دیده می شود. یکی از کارهای بسیار بدی که می خواست رایج شود و خوشبختانه به نحوی جلو آن گرفته شد، مسأله هدایا بود. کسی می خواهد از مسؤولیتی برود، هدایای فراوانی به او داده می شود! کسی که هدیه می دهد، از کجا می دهد؟ از جیب خودش؟ نه، از بیت المال. به چه مناسب؟! این هدیه چیست؟! استخداهای بی ضابطه وابستگان و تنظیم اسناد صوری را هم به ما گزارش کرده اند. دفتر ارتباط مردمی ما این اسناد را به وزارت اطلاعات فرستاد؛ جوابیه وزارت اطلاعات را هم برای من فرستادند. آنها در همه موارد اسناد را تصدیق کردند و گفتند درست همین طور است. باید برخورد شود؛ نگذارید اینها به قوه قضائیه برسد؛ خودتان با اینها در داخل دولت برخورد کنید. آن دستگاه مربوط به این شرکت، بی ملاحظه با اینها برخورد کند. آقا می آید جنسی را که متعلق به این شرکت است، یک بار می فروشد، یک

بار اجاره می‌دهد! این کار معنا ندارد؛ چرا؟! چون در فلان شرکت وابسته، چند نفر از خویشاوندانش هستند. این‌طور کارها اصلاً قابل قبول نیست؛ اینها با امانت و درستکاری، بسیار منافات دارد. (۱۳۸۰/۰۶/۰۵)، بیانات در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیأت دولت)

در خصوص حفظ بیت المال به اصل ۴۵ از قانون اساسی می‌توان اشاره کرد: «انفال و ثروتهای عمومی از قبیل زمینهای موات یارهاشده، معادن، دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و سایر آبهای عمومی، کوهها، دره‌ها، جنگلها، نزارها، بیشه‌های طبیعی، مراتعی که حریم نیست، ارث بدون وارث و اموال مجهول‌المالک و اموال عمومی که از غاصبین مسترد می‌شود، در اختیار حکومت اسلامی است تا برطبق مصالح عامه نسبت به آنها عمل نماید، تفصیل و ترتیب استفاده از هر یک را قانون معین می‌کند.»

«حق اداره شایسته و حسن تدبیر» در منشور حقوق شهروندی نیز به این موضوع توجه کرده است:

ماده ۲۴: حق شهروندان است که ازدولتی برخوردار باشند که متعهد به رعایت اخلاق حسنه، راست‌گویی، درستکاری، امانت‌داری، مشورت، حفظ بیت‌المال، رعایت حق‌الناس، توجه به وجدان و افکار عمومی، اعتدال و تدبیر و پرهیز از تندروی، شتاب‌زدگی، خودسری، فریبکاری، مخفی‌کاری و دست‌کاری در اطلاعات و پذیرفتن مسئولیت تصمیمات و اقدامات خود، عذرخواهی از مردم در قبال خطاها، استقبال از نظرات مخالفین و منتقدین و نصب و عزل بر مبنای شایستگی و توانایی افراد باشد.

– مبارزه با ویژه‌خواری

«ویژه‌خواری» از جمله کلماتی بود که در سال ۹۲ به وجود آمد؛ آن هم به دست رییس‌جمهور در نامه‌ای که به معاون اولش نوشته بود. نامه‌ای که در آن گفته شده بود تا با «ویژه‌خواران» برخورد شود. البته با اینکه برای این کلمه از لحاظ حقوقی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و حتی سیاسی عملاً تعریفی وجود نداشت اما در کنار کلمه‌های هم معنی خود یعنی رانت‌خواری، رشوه‌قرار گرفت.

اگر جلوی پدیده شوم رشاء و ارتشاء گرفته نشود به تدریج رانت‌جویی و رانت‌خواری رشد می‌کند و رانت‌جویی فعالیتی است کم‌زحمت و پرسود که در آن شخص یا گروهی صاحب نفوذ درصددند از راه توسل به رشوه به منافع ویژه‌ای دست یابند، اگرچه این دست‌یابی به بهای تمام شدن هزینه آن به حساب جامعه شود، از این روست که رانت، دستیابی به درآمدی است خارج از عرصه فعالیت‌های مولد اقتصادی، رانت نوعی سوءاستفاده از فرصت‌ها و امکانات جامعه است. (ر.ک: تأثیر رشوه در واپسگرایی جامعه، عبدالرضا باقی، نشریه مهندسی فرهنگی، سال ششم شماره ۵۷ و ۵۸، مهر و آبان ۱۳۹۰)

رانت ثروت‌های بادآورده‌ای است که بیشتر از ارزش واقعی محصول یا خدمت است و رانت‌جویی عبارت است از: جستجو برای دست‌یافتن به این درآمد مازاد است؛ حال اینکه خلأهای قانونی، ضعف یا ابهام در قوانین، اجرا نشدن برخی قوانین و عدم برخورد جدی دستگاه‌های نظارتی و قضایی با مفسدان

و... منجر به پیدایش رانت شده است، یا عوامل دیگری در ظهور این پدیده مؤثر است که نیاز به تأمل و بررسی دارد؛ اما شکی نیست که رانت خواران افراد حقیقی یا حقوقی هستند که بدون انجام کار مفید و حتی گاهی مضر برای اقتصاد کشور، در ازای پرداخت رشوه یا با پارتی بازی قادر به دستیابی به امتیازنامه ای انحصاری می باشند، امتیازاتی مانند دریافت مجوز موردی برای سهمیه های وارداتی، صدور کالا، توزیع، خرید و فروش موافقت اصولی واحدهای صنعتی تجاری، اختصاصی سازی منابع و صنایع دولتی، فروش اطلاعات مالی، تخصیص ارزان قیمت اعتبارات بانکی و زمین، قاچاق کالا، دستیابی به امتیازات دولتی خارج از برگزاری بهره مند شدن از راه تباری و رشوه، آگاهی مزایده و بلکه صرفاً زودرس از اطلاعات اقتصادی در زمینه تغییرات قوانین و مقررات سرمایه گذاری به خصوص در زمینه عمرانی، اخذ وام های کلان و بلندمدت با بهره کم، اطلاع یابی از افزایش و کاهش قیمت سهام (اسحاقی، ۱۳۸۸: ۲-۴).

با این توصیف، میتوان ویژه خواری را از لحاظ عرفی توجیه کرد و گفت: کسی که از امتیازاتی بیشتر از دیگران اما از طرق و وسایل غیراخلاقی و غیرمتعارف برخوردار شود، ویژه خوار است. امام خمینی (ره) در این باره می فرماید: «انسان رشوه خوار از یک سو چون چشم از خالق برگرفته و چشم بدست خلق دوخته است، یاس خود را از رحمت و لطف خدا به نمایش گذاشته است که به تصریح قرآن جز کافر کسی از رحمت خدا مأیوس نمی شود. از این رو رشوه خوار کافر است. از سوی دیگر چون مخلوق را نیز، به مثابه منبع رزقی در کنار خدا می انگارد، به وادی شرک خفی فرو غلطیده است. از این رو رشوه خوار مشرک نیز هست. به هر صورت از مجموعه روایات استفاده می شود که رشوه در تمام کارها حرام است، ولی در قضاوت علاوه بر حرمت و عقاب اخروی به منزله کفر و شرک به خدا نیز تلقی می شود. بر همین اساس است که از نظر فقهای اسلامی نیز رشوه حرام است» (امام خمینی، تحریرالوسیله ج ۲: ۴۰۶).

اگر در نهایت بتوان برای این اصطلاح تازه به میدان آمده در قانون، ماده ای پیدا کرد که قابل جرم انگاری باشد، تنها می توان به ماده ۲ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری اشاره کرد. این ماده می گوید: «هرکس... به طور کلی مالی یا وجهی تسهیل کند که طریق تسهیل آن فاقد مشروعیت قانونی بوده است، مجرم محسوب و علاوه بر رد اصل مال به مجازات سه ماه تا دو سال حبس و یا جریمه نقدی معادل دو برابر مال بدست آمده محکوم خواهد شد.»

اصل ۴۹ قانون اساسی نیز بیان می دارد: «دولت موظف است ثروتهای ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوءاستفاده از موقوفات، سوءاستفاده از مقاطعه کاریها و معاملات دولتی، فروش زمینهای موات و مباحات اصلی، دایرکردن اماکن فساد و سایر موارد غیرمشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن او به بیت المال بدهد این حکم باید با رسیدگی و تحقیق و ثبوت شرعی به وسیله دولت اجرا شود.»

برخوررداری از فرصت‌ها و امکانات برابر در یک جامعه به معنای مقابله با هرگونه نابرابری اجتماعی است. بررسی سیره‌ی نظری و عملی امام خمینی(ره) نشان می‌دهد که ایشان همواره بر ریشه‌کنی نابرابری‌ها از یک طرف و برخوردارری برابر مردم از فرصت‌ها و امکانات زندگی از طرف دیگر تأکید می‌کردند. از این رو ایشان شکاف شدید طبقاتی در جامعه را نمی‌پذیرفتند و بر از بین رفتن آن تأکید می‌کردند. ایشان نیمی از راه حل این مسأله را در دست خود مردم دانسته و به آن‌هایی که دارای یک مکتبی هستند تأکید می‌کنند که به وضعیت مستمندان، رسیدگی کنند(امام خمینی، ج ۸: ۴۷۱). امام، توجه داشتن به شیوه ثروت اندوزی و مقدار آن در جامعه و دخالت حاکم مشروع و دولت در نظارت بر فعالیت‌های اقتصادی افراد به منظور گرفتن سهم لازم (تحت عنوان مالیات و یا حتی مصادره و غیره) از درآمد ثروتمندان و توزیع دوباره آن در بین محرومان را به عنوان راهکارهایی در این زمینه پیشنهاد می‌دهند(همان، ج ۱۷: ۴۲۷).

امام(ره) همچنین تأکید می‌کنند: «در اسلام ترک و کرد و فارس و بلوچ و لر و ترکمن و... مطرح نیست. اسلام برای همه است و جمهوری اسلامی حق همه گروه‌ها را با عدالت اسلامی ادا خواهد کرد.»

حق اشتغال و برابری در فرصتهای شغلی در اصل ۲۸ قانون اساسی آمده است: «هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند.» و نیز بند ۲ اصل چهل و سوم قانون اساسی، که شرایط و امکانات با وام‌های بدون بهره در دست افراد خاص قرار نگیرد و همگان استفاده کنند: «تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قراردادان وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند، در شکل تعاونی، از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص منتهی شود و نه دولت را به صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق درآورد. این اقدام باید با رعایت ضرورت‌های حاکم بر برنامه‌ریزی عمومی اقتصاد کشور در هر یک از مراحل رشد صورت گیرد.»

منشور حقوق شهروندی در حقوق «اقتصاد شفاف و رقابتی» و «اشتغال و کار شایسته» نیز به فرصت‌ها و امکانات برابر برای شهروندان اشاره دارد:

ماده ۶۸: شهروندان در حق دستیابی به فرصت‌های اقتصادی و امکانات و خدمات عمومی و دولتی برابرند. انعقاد قراردادها و پیمان‌های بخش عمومی و دولتی با بخش خصوصیه اعطای هر نوع مجوز در حوزه اقتصادی به شهروندان باید با رعایت قوانین و مقررات مربوط و رقابت منصفانه در دستیابی به فرصت‌ها و امکانات انجام شود.

ماده ۷۸: شهروندان از حق فرصت برابر در دسترسی به مشاغل و انتخاب آزادانه حرفه موردنظر خود طبق موازین قانونی به‌گونه‌ای که قادر به تأمین معاش خود به‌صورت منصفانه و آبرومندانه باشند، برخوردارند. دولت شرایط مناسب را برای تحقق این حق تضمین و بر آن نظارت می‌نماید.

– ایجاد رفاه، اشتغال و فقرزدایی

تأمین نیازهای اساسی و تأمین شرایط و امکانات کار و رعایت آزادی مشاغل در بندهای ۱ و ۲ و ۴ از اصل چهل و سوم قانون اساسی اعلام گردیده است: «برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادگی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران براساس ضوابط زیر استوار می‌شود:

۱. تأمین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه.

۲. تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قراردادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند، در شکل تعاونی، از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص منتهی شود و نه دولت را به صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق درآورد. این اقدام باید با رعایت ضرورت‌های حاکم بر برنامه‌ریزی عمومی اقتصاد کشور در هر یک از مراحل رشد صورت گیرد.

۴. رعایت آزادی انتخاب شغل و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری.» امام خمینی (ره) داشتن یک زندگی خوب همراه با رفاه را حق همه مردم می‌دانستند. «همه اقشار ملت در جمهوری اسلامی باید در رفاه باشند. در جمهوری اسلامی برای فقرا فکر رفاه خواهد شد؛ مستمندان به حقوق خودشان می‌رسند. در جمهوری اسلامی عدل اسلامی جریان پیدا می‌کند، عدالت الهی بر تمام ملت، سایه می‌افکند» (امام خمینی، ج ۶: ۵۲۵). حتی در زمان جنگ و در شرایطی که کشور به لحاظ مشکلات داخلی و بین‌المللی در شرایط بد اقتصادی قرار داشت امام همچنان بر تلاش بر بهبود شرایط زندگی مردم و رفاه آنها تأکید می‌کرد (همان، ج ۱۴: ۲۲۸).

از نظر امام خمینی (ره) حقوق اجتماعی شامل همه ایرانیان می‌شود؛ «اقلیت‌های مذهبی نه تنها آزادند، بلکه دولت اسلامی موظف است از حقوق آنان دفاع کند و دیگر اینکه هر ایرانی حق دارد که مانند همه افراد از حقوق اجتماعی برخوردار باشد. مسلمان یا مسیحی و یا یهودی و یا مذهب دیگر فرقی ندارد» (همان، ج ۴: ۵۰۸). امام مسأله فقر و شکاف طبقاتی را خطری برای نظام جمهوری اسلامی می‌دانند و تأکید می‌کنند: «اگر خدای نخواست جمهوری اسلامی نتواند جبران کند این مسائل اقتصادی را، که اول مرتبه زندگی مردم است، و مردم مأیوس بشوند از جمهوری اسلامی و مأیوس بشوند از اینکه اسلام هم برای آنها بتواند در اینجا کاری انجام بدهد، اگر در این محیط یک انفجار حاصل بشود، دیگر نه من و نه شما و نه هیچ کس، نه روحانیت و نه اسلام، نمی‌تواند جلوی او را بگیرد» (همان، ج ۱۰: ۳۳۵).

برخورداری از تأمین اجتماعی و خدمات درمانی در اصل ۲۹ بیان شده است: «برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی‌سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره حقی است همگانی. دولت مکلف

است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت های مالی فوق را برای یک یک افراد کشور تأمین کند.»

امام خمینی (ره) در جمع مسئولان بنیاد مسکن انقلاب اسلامی در تاریخ ۱۶ اسفند ۱۳۶۲ به رفع نیاز محرومان و تهیه مسکن تأکید دارند: «امیدوارم با کوشش شما و تمامی افراد این بنیاد، مردم محروم و مستضعف ما که در طول تاریخ اسیر خانها و سرمایه دارها بودند، دارای مسکن شوند. لازم است دولت اسلامی هم کمکهای لازم را به شما بنماید. ان شاءالله مردم ما که همیشه به استضعاف کشیده شده بودند، با تلاش و کوشش دارای همه چیز گردند. خدمت شما تنها به یک نسل نیست، بلکه از خدمات شما نسلهای آینده هم استفاده می کنند. سعی کنید محرومین را همیشه در نظر داشته باشید و هرکاری که می کنید، خدا را در نظر بگیرید.»

اصل ۳۱، حق دارابودن مسکن متناسب را روشن می کند: «داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است. دولت موظف است با رعایت اولویت برای آنها که نیازمندترند به خصوص روستائینان و کارگران زمینه اجرای این اصل را فراهم کند.»

همچنین اصل ۴۶ و ۴۷ از حق مالکیت می گوید: «هر کس مالک حاصل کسب و کار مشروع خویش است و هیچ کس نمی تواند به عنوان مالکیت نسبت به کسب و کار خود امکان کسب و کار را از دیگری سلب کند.»؛ «مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد محترم است. ضوابط آن را قانون معین می کند.»

«حق مسکن»، «حق مالکیت» و «حق اشتغال و کار شایسته» در منشور حقوق شهروندی به ایجاد رفاه، اشتغال و فقرزدایی پرداخته است:

ماده ۷۳: حق شهروندان است که از مسکن ایمن و متناسب با نیاز خود و خانواده‌شان بهره‌مند شوند. دولت بر اساس نیاز و با رعایت اولویت و امکانات زمینه استیفای این حق را فراهم می‌نماید.

ماده ۷۴: دولت با اتخاذ تدابیر و وضع مقررات لازم، زمینه تأمین و بهبود وضعیت مسکن متناسب با ویژگی‌های بومی و ارزش‌های فرهنگی، اجرای مقررات ملی ساختمان و طرح‌های بهینه‌سازی مصرف انرژی را فراهم می‌نماید.

ماده ۷۵: حق مالکیت شخصی شهروندان محترم است. هیچ شخص یا مقامی نمی‌تواند مالکیت دیگری را سلب، یا اموال او را مصادره یا ضبط یا توقیف کند یا نسبت به حقوق مالی یا مالکیت او ممانعت، مزاحمت یا محدودیت ایجاد کند، مگر به موجب قانون.

ماده ۷۷: حق شهروندان است که آزادانه و بدون تبعیض و با رعایت قانون، شغلی را که به آن تمایل دارند انتخاب نمایند و به آن اشتغال داشته باشند. هیچ کس نمی‌تواند به دلایل قومیتی، مذهبی، جنسیتی و یا اختلاف نظر در گرایش‌های سیاسی و یا اجتماعی این حق را از شهروندان سلب کند.

ماده ۷۹: حق شهروندان است که از آموزش‌های لازم درباره مشاغل بهره‌مند شوند.

ماده ۸۰: حق شهروندان است که از بهداشت محیطی و کاری سالم و ایمن و تدابیر ضروری برای پیشگیری از آسیب‌های جسمی و روحی در محیط‌های کار بهره‌مند باشند.

ماده ۸۱: شهروندان از حیث نقض قوانین و مقررات کار، حق دادخواهی در برابر مراجع قانونی را دارند.

ماده ۸۳: حق زنان است که از فرصت‌های شغلی مناسب و حقوق و مزایای برابر با مردان در قبال کار برابر، برخوردار شوند.

ماده ۸۵: آرامش، شادابی و امید به آینده‌ای بهتر، خودسازی معنوی و توان‌افزایی اجتماعی، برخورداری از زندگی امن و آرام، داشتن فرصت و امکان برای همراهی بیشتر با خانواده، تفریح، ورزش و گردشگری حق هر شهروند است.

ماده ۸۶: حق هر شهروند است که از رفاه عمومی و تأمین اجتماعی و خدمات امدادی بهره‌مند شود.

ماده ۸۷: حق شهروندان است که در صورت بیکاری ناخواسته، طبق قانون از حقوق بیمه بیکاری برخوردار شوند.

ماده ۸۸: حق شهروندان روستانشین و عشایر است که حسب مورد از حقوقی چون توسعه روستایی، بیمه و تأمین اجتماعی و ایمن‌سازی محیط زندگی بهره‌مند شوند.

ماده ۸۹: حق همه شهروندان به ویژه زنان است که به امکانات ورزشی و آموزشی و تفریحات سالم، دسترسی داشته باشند و بتوانند با حفظ فرهنگ اسلامی - ایرانی در عرصه‌های ورزشی ملی و جهانی حضور یابند.

ماده ۹۱: حق شهروندان است که از محیط زندگی عاری از آسیب‌های فردی و اجتماعی از جمله مواد مخدر و روان‌گردان برخوردار باشند. گروه‌های آسیب‌پذیر و مددجویان از اقدامات مؤثر دولت در زمینه توانمندسازی، امید به زندگی و اعمال سیاست‌های تأمینی برخوردار می‌شوند.

ماده ۹۳: دولت از حقوق بیمه‌شدگان حمایت می‌کند و این حمایت شامل تضمین فضای رقابتی، نظارت بر فعالیت بیمه‌گران و نهادهای بیمه‌ای، تنظیم روابط بیمه‌گر و بیمه‌گزار و بهبود سازوکارهای رسیدگی به دادخواهی بیمه‌شدگان و سایر ذی‌نفعان می‌باشد.

ماده ۹۴: شهروندان حق دسترسی به کالاها و خدمات استاندارد را دارند به‌گونه‌ای که بهداشت یا سلامت آن‌ها را با مخاطره مواجه نکند.

نتیجه‌گیری

در فصل پنجم تلاش شد تا بر اساس حقوق شهروندی موجود در نهج‌البلاغه، به موضوع حقوق شهروندی در جمهوری اسلامی نگریسته شود. به طور کلی می‌توان اظهار داشت که قوانین بالادستی و گفتمان رهبران جمهوری اسلامی نظیر امام خمینی، شهید مطهری و آیت‌الله خامنه‌ای منطبق بر حقوق شهروندی نهج‌البلاغه ترسیم و روزآمدسازی شده است. اما در عمل می‌توان تضادها و حتی رویکرد معکوسی را نسبت به حقوق شهروندی و یا ناکامی در تحقق آن را مشاهده کرد. همچنان که اظهار شد؛ در موضوع حقوق مدنی، چالش اصلی جمهوری اسلامی ناظر بر بی‌عدالتی و نابرابری اجتماعی است. از آنجا که مدرک تحویلی نقش بزرگی

در موفقیت افراد دارد، وجود کنکور و فن تست‌زنی، مانع بزرگی بر سر راه شایستگی و تحقق عدالت است. همچنین نزدیکی افراد با کانون قدرت سبب شکاف اجتماعی و طبقاتی گسترده شده است. در حقوق اقتصادی و اجتماعی، نشان داده شد که مطابق با آمار جمهوری اسلامی نتوانسته امنیت اقتصادی پدید آورد و منابع اقتصادی را عادلانه توزیع کند و همین امر مصادف با تجمل‌گرایی مسئولین و از میان رفتن آرامش اجتماعی شده که جزئی از حقوق مدنی است. افزون بر این، جمهوری اسلامی در کاهش شاخص فلاکت عملاً ناکام بوده و در سال‌های اخیر، شاخص فلاکت در ایران ۳۰۰٪ نسبت به میانگین جهانی رشد داشته است. در نهایت باید اظهار داشت که جمهوری اسلامی از منظر نظری چندان تضادی با نهج‌الایلاغه ندارد؛ اما در واقعیت نمی‌توان این عدم تضاد را مورد تأیید قرار داد. شاید به همین دلیل است که رهبر انقلاب نیز اظهار می‌دارد که جمهوری اسلامی هنوز وارد «دولت اسلامی» و «جامعه اسلامی» نشده است و مسیر طولانی برای دستیابی به «تمدن نوین اسلامی» دارد.

منابع و ماخذ:

- امام خمینی، روح الله (۱۳۷۸)، صحیفه امام (مجموعه ۲۲ جلدی)، ناشر: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- (۱۳۶۸) ترجمه تحریرالوسیله امام خمینی (س) (جلد دوم). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)
- اسحاقی، سیدحسین (۱۳۸۸) فصلنامه رواق اندیشه، شماره ۴۵.